

مبانی فقهی و اخلاقی در مبارزه پلیس زن با مواد مخدر و روان گردان

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۵

فریبا لباف^۱

چکیده

مواد مخدر در نیم قرن اخیر، به علت تنوع و گستردگی اعتیاد و آثار سوء و زیان آور اجتماعی، خصوصیات پیچیده پیدا کرده است که می توان آن را یکی از موضوعات مستحدثه به حساب آورد و فروع فقهی بسیاری در باب حدود، تعزیرات، مکاسب محرمه، اطعمه و اشربه برای آن فرض نمود.

بی توجهی به مبانی فقهی و اخلاقی در ساماندهی روابط اجتماعی علاوه بر جلوه‌ها و ابعاد منفی آشکار آن، ابعاد آسیب‌زای پنهانی نیز دارد که شاید به مراتب خطرناکتر باشد. در این مقاله سعی شده به طور مختصر به روش تفصیلی ضمن بررسی ادله مبانی فقهی مربوط به مواد مخدر و مبانی اخلاقی آن به نقش پلیس زن در مبارزه با مواد مخدر بپردازد. به نظر می‌رسد قواعد عمومی فقه و عمومات و اطلاقات کتاب و سنت بیانگر حرمت استعمال مواد مخدر می‌باشد و زنان پلیس می‌توانند در هنگام ارائه خدمات در چهارچوب مبانی اخلاقی مردم‌دارانه همراه با محبت و رعایت موازین و احکام اسلامی در برخورد با متهمین آرامش و اطمینان را در جامعه بانوان به‌ویژه خانواده‌ها ایجاد نمایند.

کلید واژه: پلیس زن، اخلاق، فقه، عفاف، اعتیاد

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

بی‌شک بزه‌کاری و مفساد اجتماعی، موجب ورود صدمات و لطمات به منافع و حیثیت افراد در جامعه شده، و رعایت ارزش‌های اخلاقی، پاداش و تعالی نفس را به همراه داشته و کنار گذاشتن آن‌ها انحطاط و پستی را در پی دارد. ارزش‌های اخلاقی ضامن اجرای قوانین مختلف وضع شده توسط حکومت در نهاد افراد است. اگر افراد یک جامعه که مأموران نظم امنیت (زنان پلیس) بخشی از آنها هستند، از فضایل اخلاقی بهره‌مند نباشد، هیچ‌کس خود را ملزم به قانون و اجرای آن نمی‌داند. در این صورت نه مردم بدان عمل کرده و نه مجریان آن را اجرا می‌کنند. اسلام در جایگاه یک دین الهی راه‌ورسم کامل و جامعی برای زندگی انسان‌ها در جهات و ابعاد گوناگون دارد به طوری که در تمامی زمینه‌ها الگوهای لازم را در اختیار قرار می‌دهد (سادات، ۱۳۷۵: ۵). بر این اساس با توجه به دامنه وسیع جرایم و گرایش زنان و دختران جوان به اعتیاد و مواد مخدر و اهمیت مسئله امنیت زنان و کودکان، در این مقاله سعی شده به مبانی فقهی و اخلاقی و نیاز سازمان نیروی انتظامی که ارتباطات پیچیده‌ای با افراد اجتماع دارد؛ به موضوع پردازد.

طرح مسئله

انجام بعضی از مأموریت‌های نیروی انتظامی در موضوعات و مسائل خاص مربوط به زنان که نیمی از اجتماع را تشکیل می‌دهند نیازمند کارشناس زن است. کارشناسی که آشنا به علوم انتظامی و مأموریت ناجا باشد و تربیت شده در مرکز آموزشی زنان پلیس و به طور رسمی در این سازمان خدمت کند.

زنان ناجا در انجام مأموریت‌های خود ملزم به رعایت و حفظ موازین اسلامی می‌باشند و از جمله نقش‌هایی که پلیس زن می‌توان بر عهده گیرد تعقیب و مراقبت و دستگیری متهمین زن، شناسایی باندهای مواد مخدر، قاچاق به ویژه فساد و منکراتی زنان چه به صورت گروهی یا مشترک با پلیس مرد می‌باشد.

فرمانده نیروی انتظامی در مراسم دانش‌آموختگی پلیس زن در سال ۱۳۸۴ با تأکید بر حضور پلیس زن در صحنه‌های تخصصی مأموریت بیان داشتند:

«یکی از وظایف اصلی پلیس زن، احقاق حقوق زنان در جامعه است». وی با اشاره به حضور پلیس زن در کلانتری‌ها، راهنمایی و رانندگی و آگاهی فرمودند: «در گذشته زنان وقتی با مشکلی روبرو می‌شدند از بیان مشکل خود با پلیس مرد خودداری می‌کردند ولی هم اکنون با حضور پلیس زن می‌توانند به راحتی مشکلات خود را بازگو کرده و اطمینان داشته باشند که اعمال عدالت به بهترین شکل در حق آن‌ها صورت می‌گیرد».

سردار احمدی مقدم (۸۴/۱۲/۲۰) خاطر نشان کردند: «در گذشته بازرسی بدنی از زنان در فرودگاه‌ها و یا مناطق دیگر توسط پلیس مرد امکان‌پذیر نبود و حتی در مواقعی در صحنه‌های جرم امکان حضور پلیس مرد وجود نداشته و یا به سختی انجام می‌شد که این موضوع نیز باعث رعایت نشدن حقوق شرعی و قانونی زن در بعضی از مواقع می‌شد که هم اکنون این مشکلات با راه‌اندازی پلیس زن در نیروی انتظامی مرتفع شده است».

لذا برای حمایت از زنان آسیب‌پذیر و تعقیب زنان مجرم و رسیدگی به امور آن‌ها با توجه به احساسات و عواطف زنان و در مبارزه با مواد مخدر با زنان قاچاقچی و یا مصرف‌کنندگان مواد مخدر که می‌توانند باعث ناامنی در جامعه شوند، زنان پلیس با حضور مقتدرانه خود همراه با رعایت موازین و ظواهر اسلامی و عفت و پاکدامنی، می‌توانند به عنوان پلیسی مهربان، شجاع و حق‌طلب در جهت پاسخ‌گویی به آن‌ها سهم بسزایی را در این امر ایفا نمایند.

۱. مبانی فقهی مواد مخدر و احکام مرتبط با آن

۱-۱. معنی لغوی

در فرهنگ فارسی، به چیزی که ایجاد سستی و رخوت کند، مخدر گفته می‌شود (معین، ۱۳۷۱، ۳۹). منظور از مواد مخدر تمام انواع موادی است که مخدر، محرک، توهم‌زا و سستی‌آور بوده و آثار جسمی و روحی منهی‌عنه را در شرع به دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف موجب اعتیاد می‌شود که عمدتاً تریاک و مشتقات آن، حشیش و مشتقات آن و کوکابین، همچنین مواد مخدر مصنوعی را شامل می‌شود.

۲. حرمت مواد مخدر در فقه اسلامی

گروهی از فقهاء (علامه حلی، ۱۳۷۲) و (شهید ثانی، ۱۳۷۵، ۳۲۱) نفس مواد مخدر را ملاک قرار داده و آن‌ها را در حکم سموم مهلکه دانسته و احکام آن را بر مخدرات جاری کرده‌اند. برخی آثار شخصی و اضرار اجتماعی مواد مخدر را مد نظر قرار داده و از باب ضرر شخصی و اضرار اجتماعی در باره آن حکم کرده و فتوی داده‌اند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵: ۳۳۶).

مقام معظم رهبری در مورد استعمال مواد مخدر با ملاحظه مضرات آن می‌فرماید: «شرعاً حرام است مگر در موارد استثنایی». همچنان که استعمال مواد مخدر حرام است، در شرع مقدس؛ خرید و فروش آن نیز حرام می‌باشد. (همان منبع)

در هر حال چه نفس مواد مخدر و چه آثار مترتبه را ملاک قرار دهیم، می‌توان هر یک از موضوعات فوق را از مصادیق و صغریات یک یا چند قاعده فقهی تلقی نمود، قاعده لاضرر، قاعده حرمت اعانت برائتم و عدوان.

از این رو می‌توان از طریق تطبیق این قواعد، حکم وضعی و تکلیفی موضوعات فوق را استنباط کرد.

۲-۱. سابقه فقهی مواد مخدر

نفس مواد مخدر یک موضوع مستحدثه نمی‌باشد، زیرا در کلمات ائمه معصومین و فقهای قدیم از آن بحث شده است. بنج، مفتر، مخدر و افیون چهار عنوانی است که هم در روایات و هم در کلمات فقها آمده است و آثار احکام شرعی مختلفی بر آن مترتب شده است.

۲-۱-۱. دلیل اول: حرمت مواد مخدر در روایات

روایاتی نیز در کتاب‌های روایی وجود دارد که بیانگر این نکته هستند که علت حرمت مسکرات آثار سوء و زیانبار آن‌هاست و می‌توان برای اثبات حرمت مواد مخدر به آن‌ها تمسک کرد. بعضی از این روایات عبارتند از:

۱. «ما رواه علی بن یقطین عن ابی الحسن الماضی علیه السلام قال: ان الله عز و جل لم یحرم الخمر لاسمها و لكن حرمها لعاقبتها فما کان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر». (شیخ حر

عاملی، حدیث اول، ۶۴)

خداوند خمر را به خاطر نام آن حرام نکرده بلکه آن را به علت آثار و نتایجی که دارد حرام نموده است، در نتیجه هر چیزی که دارای آثار خمر باشد حکم خمر را دارد و حرام است.

امروزه از طریق علم و تجربه ثابت شده که آثار سوء و ویرانگر مواد مخدر بر فرد و جامعه بسیار شدیدتر و زیانبارتر از مشروبات الکلی است به همین سبب دارای یک حکم هستند.

۲. «ما رواه محمد بن عبد الله عن بعض اصحابنا قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام لم حرم الله الخمر؟ قال: حرمها لفعالها و فسادها». (همان، حدیث سوم)

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که چرا خداوند خمر را حرام کرده است؟ حضرت فرمودند: خداوند خمر را به علت آثار سوء و فسادی که دارد حرام نموده است.

ممکن است کسی اشکال کند که دلایلی وجود دارد دال بر این که مسکر به عنوان مسکر حرام است و علت حرمت خمر مسکریت و مست کننده بودن آن است، در نتیجه عنوان مسکریت دخیل در حکم است و تعدی از آن به مواد مخدر نیازمند دلیل است و چنین دلیلی وجود ندارد. از این رو نمی‌توان تنقیح مناط قطعی انجام داد و تنقیح مناط ظنی هم از نظر فقهی باطل است و نمی‌تواند مستند حکم شرعی قرار بگیرد. (محمدباقر صدر، ق. ۱۴۱۷، ۲۱۶)

پاسخ این است که مواد مخدر هم دارای مراتبی از سکر و مسکریت هستند و به همین دلیل می‌توان آن‌ها را از مسکرات محسوب نمود؛ زیرا این مواد نیز همانند مسکرات دیگر موجب نوعی سکر و اختلال حواس و عدم قدرت بر حفظ تعادل و پیدایش نشاط کاذب می‌شوند، و امروزه از نظر علمی ثابت شده که همه اقسام مواد مخدر بر سلسله اعصاب مرکزی اثر گذاشته و حالت غیر طبیعی و احساس‌های کاذب و بی‌ادراکی برای انسان به وجود می‌آورند، از نظر سازمان بهداشت جهانی مواد مخدر علاوه بر معنای خاص، معنای عامی نیز دارد و شامل تمامی مخدرها، محرک‌ها، توهمزها، آرام‌بخش‌ها و مسکن‌ها می‌شود و الکل در پایین‌ترین طبقه و در ردیف کافئین (قهوه) و نیکوتین قرار دارد (سیدحسن اسعدی، ۱۳۷۹، ۸۴) و این بیانگر این نکته است که مواد مخدر به معنای خاص آن سکرآورتر و زیانبارتر است و باید به طریق اولی حرام باشد. درست است که مواد مخدر داخل در عنوان خمر نیستند؛ زیرا متبادر از خمر

چیزی است که مایع بالاصالة باشد نه جامد، ولی حکم حرمت استعمال و خرید و فروش شامل همه مسکرات می شود چه مایع باشند و چه جامد. و مواد مخدر هم مسکر هستند، و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی نقل شده دال بر این که هر مسکری حرام است (کل مسکر حرام) و این عبارت اطلاق دارد و شامل مسکرات جامد هم می شود. در اینجا این سؤال پیش می آید که چرا فقهایی از قبیل مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در کتاب مکاسب محرمة حرمت را مقید به مایع بودن کرده اند. مرحوم شیخ اعظم رحمه الله می فرماید:

«کل مسکر مائع و الفقاع اجماعاً و ناصاً.»

در پاسخ کلام مرحوم محقق ایروانی رحمه الله را یادآور می شویم که فرموده است:

«احتمال دارد وجه تقیید مسکر به مایع این باشد که بحث مرحوم شیخ انصاری رحمه الله در اعیان نجسه است و فقط مسکرات مایع نجس هستند.» (تعلیقہ مرحوم ایروانی بر مکاسب شیخ انصاری، ۶)

۲-۱-۲. دلیل دوم: سیره و بنای عقلا

سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر است و این سیره از طرف شارع مقدس رد نشده و در نتیجه حجیت دارد و باید بر اساس آن از مواد مخدر اجتناب کرد. هر چند در وجود این سیره و بنای عقلا تردیدی نیست ولی سیره عقلا زمانی حجیت دارد که به نحو قطعی و یقینی کاشف از موافقت معصوم علیه السلام باشد و در واقع امضا و تقریر صادر از معصوم علیه السلام حجت است نه خود سیره و بنای عقلا. از این رو، سیره باید در زمان معصوم وجود داشته و مورد نهی شارع هم قرار نگرفته باشد، تا بتوان به آن استناد نمود. ولی به نظر می رسد که این سیره چنین کاشفیتی ندارد؛ زیرا مواد مخدر در زمان ائمه معصومین علیهم السلام وجود نداشته تا مورد نهی آنان قرار بگیرد. به همین دلیل نمی توان برای اثبات حرمت مواد مخدر به این سیره استناد کرد. (سیدمحمد باقر صدر، پیشین)

۲-۱-۳. دلیل سوم: قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام

این قاعده یکی از مهمترین و بنیادی ترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقهی مورد استناد قرار می گیرد و حتی مستند بسیاری از احکام فقط همین قاعده است. (مکارم شیرازی،

۱۴۱۱.ق، ۲۸) مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله در کتاب وسیلة النجاة و بسیاری از مراجع تقلید و فقهای عظیم‌الشان با استناد به همین دلیل به حرمت استعمال مواد مخدر حکم نموده‌اند. بر اساس این قاعده هر چیزی که ضرر فاحش دارد حرام می‌باشد و مشمول آیه شریفه «و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکة» است.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کل شیء فیہ المضره علی بدن الانسان من الحبوب و الثمار حرام اکلہ الا فی حال الضرورة.»

هر چیزی که به بدن انسان ضرر برساند، خوردنش حرام است مگر در حال ضرورت. (همان) در نتیجه انسان نباید مبادرت به انجام عملی کند که برای او ضرر فاحش دارد. امروزه با توجه به تجربیات و کشفیات علمی بشر تردیدی وجود ندارد که برخی از مواد مخدر ضرر شدید و قابل ملاحظه‌ای از نظر روحی و جسمی بر فرد و جامعه دارند و باعث ایجاد خسارت‌های شدید اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی می‌شوند.

به نظر می‌رسد که مهمترین دلیل حرمت مواد مخدر همین قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» باشد، به خصوص که ضرر و زیان این مواد اولاً فاحش و شدید است و ثانیاً آثار آن به خود فرد مصرف کننده آن مواد منحصر نمی‌شود بلکه خانواده و اطرافیان فرد معتاد و کل جامعه بشری از این بابت متحمل خسارات و زیان‌های شدید و غیر قابل جبرانی می‌شوند. و خود فرد معتاد هم قدرت تعقل و ادراک و تفکرش را از دست می‌دهد و تبدیل به موجود بی‌روح و احساسی می‌شود که نسبت به همه امور بی‌تفاوت است و پوچ‌انگاری نظام آفرینش بر همه رفتارهای او حاکم می‌شود. اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگترین مصادیق هلاکت و نابودی است که در آیه شریفه: «و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة». (بقره / ۱۹۵) از آن نهی شده است. تهلکة به معنای هلاکت و نابودی و شکست است و بر اساس این آیه شریفه، انسان باید از اسباب هلاکت و نابودی بپرهیزد و مقدمات شکست و نیستی و هلاکت تدریجی خود را فراهم نیاورد. در حالی که امروزه بر کسی پوشیده نیست که استعمال مواد مخدر از مصادیق بارز هلاکت و نابودی تدریجی است و این مطلب با تجربه‌های تلخ بشری در طول تاریخ مصرف این مواد ثابت شده است. مواد مخدر در حکم سم خطرناکی هستند که به تدریج وارد بدن انسان شده

و در نهایت به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شوند. هرچند شأن نزول این آیه در مورد جهاد با مشرکین و انفاق مال است، ولی مورد، مخصص نیست و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ۶۴)

۴-۱-۲. دلیل چهارم: آیه مربوط به حلیت طیبات و حرمت خبائث

پاکیزه‌ها را بر آنان حلال و پلیده‌ها را بر آنان حرام می‌دارد. (اعراف، ۱۵۷)

شارع مقدس هر چیزی را که خبیث است و ضرر فاحش دارد حرام کرده است، و مواد مخدر با توجه به مضرات و آثار سوئی که بر فرد و جامعه و همه انسانیت از نظر روحی و جسمی دارند جزء خبیث‌ترین اشیا هستند. شاید مهمترین ضرر مواد مخدر آسیب رساندن به عقل و قدرت ادراک و تفکر است، و محافظت از عقل از نظر شرعی از بزرگترین واجبات انسانی است و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله اساس احکام دین اسلام حفظ عقل سلیم است. از این رو اسلام از هر عملی که به عقل سلیم آسیب برساند نهی کرده است. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ق. ۱۹۳) علت نهی شرابخواری و حرام بودن آن در اسلام همین نکته است؛ زیرا مصرف مشروبات الکلی باعث مستی و زایل شدن عقل و در نهایت تهدید سعادت بشری می‌شود و درست به همین دلیل و مناط، مواد مخدر هم از خبائث محسوب شده و استعمال آن‌ها حرام است.

۵-۱-۲. دلیل پنجم: آیه شریفه «و یسالونک عن الخمر...»

از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو در آن‌ها گناهی بزرگ و منافعی برای مردم است ولی گناه آن‌ها از منافعشان بیشتر است. (بقره / ۲۱۹)

خمر به هر ماده مست کننده‌ای اطلاق می‌شود؛ زیرا خمر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است و همه مست کننده‌ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد توسط انسان می‌شوند و قدرت تفکر و ادراک را از او می‌گیرند.

اثم هم معنایی نزدیک به ذنب و گناه دارد؛ یعنی حالتی است که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می‌شود و شقاوت و حرمان برای انسان به بار می‌آورد. حالت اثم که در عقل و

روح انسان به وجود می‌آید او را از رسیدن به کمالات و نیکی‌ها باز می‌دارد و ضرر زیادی به جسم و جان انسان وارد می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۴) بر اساس این آیه شریفه مشروبات الکلی و مواد مخدر چون ضرر و گناهشان از منافعشان بیشتر است و باعث زوال عقل سلیم انسانی و ادراک و فهم و تفکر شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می‌کنند بدین جهت حرامند. خداوند هم در قرآن کریم می‌فرماید:

«قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغی بغیر حق». (اعراف / ۳۲)

اثم در این آیه شریفه نیز معنای وسیعی دارد و هر عمل زیان‌آوری را شامل می‌شود که به انحطاط انسان بینجامد و مانع رسیدن او به ثواب و پاداش نیک شود؛ (مکارم شیرازی، پیشین، ۱۵) زیرا شکی وجود ندارد که خمر و مواد مخدر هر دو اثم بوده و در نتیجه حرامند. و حتی می‌توان ادعا کرد که مضرات و زیانها و آثار سوء بعضی از مواد مخدر مثل هروئین به مراتب شدیدتر از مشروبات الکلی است، از این رو تردیدی در حرمت استعمال این قبیل مواد که تهدیدی جدی علیه انسان و انسانیت هستند وجود ندارد و خرید و فروش آنها هم بر اساس قاعده «ان الله اذا حرم شیئا حرم ثمنه»، حرام است مگر آن که به قصد استفاده در منافع حلال و عقلایی باشد که البته آن هم باید توسط دولت و تحت نظارت آن صورت بگیرد تا فسادی در جامعه به وجود نیاید. در پایان مناسب است به نگهداری، خرید و فروش و کشت و توزیع مواد مخدر اشاره شود.

آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله:

«همیشه نوشته‌ام، مقتضی است مسلمین، بلکه تمامی عقلا خود را از این سموم مهلکه نجات دهند». (به نقل از مجموعه مقالات برگزیده، ۹۱)

و در جای دیگری فرموده‌اند: «هر چیزی که عقل را زایل می‌کند در اسلام حرام است». (همان، ۹۱)

آیت الله فاضل لنکرانی:

«استعمال مواد مخدر از این جهت که ضرر مهم بر جسم و جان انسان وارد می‌کند و همه

امور متعارف و طبیعی فردی و اجتماعی را مختل می‌کند و نیز موجب بازداشتن از انجام واجبات و امور دینی است و همینطور به جهت سایر مفاسدی که دارد به هیچ وجه جایز نیست». (همان، ۹۳)

آیت الله مکارم شیرازی:

«مواد مخدر به هر شکل و هر صورت، استعمالش حرام است و تمام کسانی هم که دست‌اندر کار پخش و گسترش آن به هر نحو باشند کار آن‌ها حرام است، معاملاتش نیز قطعاً حرام است. کشت مواد مخدر در شرایط فعلی حرام است، همچنین همه دست‌اندر کاران آن کارهایشان حرام است. و در واقع شبیه آن چیزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره شراب می‌فرماید که خداوند ده طایفه را در رابطه با شراب لعن کرده است یعنی از رحمت خودش دور ساخته است، مواد مخدر هم عیناً همان است و بلکه بدتر می‌باشد، و اگر چنین شرایطی در صدر اسلام بود و آیات قرآن نازل می‌شد به یقین آیاتی شدیدتر در باره مواد مخدر نازل می‌شد، ولی از اصولی که در فقه اسلامی داریم این حکم به خوبی روشن می‌شود. استعمال مواد مخدر از محرّمات مسلمه است و ضررهای مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی آن بر هیچ عاقلی پوشیده نیست و از همه بدتر این که مواد مخدر به صورت یکی از ابزارهای مخرب استعماری در آمده است». (همان، ۹۵)

آیت الله صافی گلپایگانی:

«ضرر این سموم مهلک و خطرات خانمانسوز آن، برای دین و ایمان و شرف و استقلال و سلامت روح و جسم و همه شئون جامعه از واضحات است. هر عمل و معامله و حمل و نقلی که موجب سلب مصونیت جامعه اسلامی از خطر ابتلای افراد به این سموم شود مؤکداً حرام است، و نهی از منکر و جلوگیری از آن علاوه بر این که از وظایف مستقیم حکومت است بر همگان نیز طبق ضوابط شرعی واجب است و همه باید هم آهنگ از این منکر و سایر منکرات که موجب فساد و تباهی اخلاق اسلامی جامعه است جلوگیری نمایند». (صافی گلپایگانی،

۱۴۱۹ ق، ۱۸۷)

۳. احکام روابط پلیس زن با متهمین

۳-۱. احکام برخورد با متهمین و دستگیری آن‌ها توسط پلیس زن

برخورد با متهمین و دستگیری آن‌ها، به گونه‌ای باید انجام بگیرد که انسانیت آن‌ها تحقیر نشود و در قبال خلافی که مجرمین مرتکب شده‌اند، مجازات مناسبی از سوی شارع مقدس وضع گردیده است، لذا جداً از کیفر تعیین شده؛ هر گونه برخورد دیگر، خلاف دستورات و شأن انسانی است.

در اصل ۳۹ قانون اساسی آمده است: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

۳-۲. فحاشی به مأمورین

در راه احیای اسلام و نشر احکام آن و آگاهی دادن به مردم، چه بسا زنان پلیس در این راستا مورد ضرب و شتم و اهانت و بی‌حرمتی‌هایی قرار بگیرند. وظیفه آنان در این گونه موارد پس از طی مراحل نهی از منکر، این است که مراتب را ضمن صورت جلسه به مقامات قضایی تحویل دهند (استفتائات رهبری، ۱۳۷۷/۴/۲۷)

۳-۳. دریافت رشوه از قاچاقچیان مواد مخدر

گاهی مشاهده می‌شود که بعضی از قاچاقچیان برای چشم پوشی از اعمال خلاف قانون خود، متوسل به رشوه و پرداخت مبالغی پول به مأمورین می‌شوند و یا در مواردی آن‌ها را تهدید به قتل می‌نمایند.

با توجه به فرمایش حضرت رسول (ص) که می‌فرمایند: «الراشی و المرتشی و الماشی بینهما ملعونون» رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و کسی که واسطه‌ی بین این دو است، همگی ملعونند؛ (شیخ حر عاملی، حدیث ۱، ۶۱) زشتی و ناپسندی این عمل در فرهنگ قرآنی و دینی ما مشخص می‌شود.

لذا دریافت هر گونه رشوه جایز نیست هر چند باعث ایجاد مشکل و زحمت برای مأمورین شود.

۳-۴. احکام مراوده و روابط کاری زنان پلیس در مأموریت‌ها با نامحرمان

سعادت افراد، خانواده و اجتماع پس از آگاهی دقیق نسبت به دستورها و احکام خداوند در گرو عمل نمودن به آن است و برای اینکه احکام به خوبی اجرا شود برنامه‌های دین به صورتی تدوین شده است که عمل به آن‌ها زمینه کم شدن گناه و جرم را در افراد به وجود می‌آورد. از جمله مواردی که اسلام توجه خاصی به آن دارد و سبب سلامت فرد و جامعه می‌شود، نحوه حضور زنان در انظار عمومی است که معرف شخصیت و عفت و حیا و پاکدامنی او می‌باشد. رابطه کاری زنان پلیس در مأموریت‌ها با مأمورین مرد باید بر اساس موازین شرع و حفظ شئون اسلامی باشد. رعایت پوشش کامل بدون آرایش و زینت در حالی که مفسده و گناهی بر آن مترتب نباشد یقیناً رضای خداوند متعال را به همراه دارد. امام خمینی (ره) در رابطه با اختلاط زنان و مردان در انجام امور محوله می‌فرمایند: با رعایت وظایف شرعی در امور مذکور مانعی ندارد ولی از اختلاط و تماس زیاد با نامحرم اجتناب شود. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۴۸)

و یا اجتماع زن و مرد نامحرم در یک مکان و یا نشستن در وسایل نقلیه به هنگام مأموریت در حالی که به قصد لذت و ریه نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نباشد با حفظ موازین شرعی جایز است و اشکالی ندارد. (استفتائات مقام معظم رهبری ۷۷/۴/۲۷ شماره ۱۴۰۵۴)

۴. مبانی اخلاقی

۴-۱. عفاف در گفتار و تعاملات کلامی پلیس زن با مردم

اخلاق می‌تواند به تعامل و تعمیق رابطه مردم با سازمان انتظامی کشور بینجامد. یعنی ارتباط پلیس زن با مردم گاه یک جنبه سخت افزاری دارد و گاه بُعد نرم افزاری. منظور از جنبه سخت‌افزاری این است که در بدنه نیروی انتظامی کشور (ساختار اداری، قانونی و مدیریتی و مأموریتی آن) نحوه تعامل ارباب رجوع و مردم با پلیس تعریف شده و شفاف می‌باشد. در این جا رابطه پلیس هم به طور طبیعی خود را نشان می‌دهد. یعنی مردم به طرق قانونی و پیش بینی شده با پلیس ارتباط پیدا می‌کنند. جنبه دیگر ارتباط که دخالت معنوی و بُعد نرم افزاری

است، که اخلاق درست در این بخش معنا می‌یابد. بی تردید پلیسی که اخلاق را مایه و جوهر رفتار خود قرار می‌دهد موفق تر است.

۲-۴. اقسام قالب‌های کلامی در قرآن کریم که بهترین نوع برقراری رابطه گفتاری را تبیین می‌نماید:

- | | |
|--------------|--------------|
| ۱. قول معروف | ۲. قول میسور |
| ۳. قول بلیغ | ۴. قول سدید |
| ۵. قول کریم | ۶. قول لین |

۱-۲-۴. قول معروف و مخاطب آن از مصادیق قول معروف در نوع سخن گفتن با نامحرمان است و در این ارتباط کلامی از دایره معروف خارج نشوید (سوره بقره/ ۲۳۴).
 علامه طباطبایی در تفسیر کلمه معروف می‌فرماید: همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت و محاسن خلق نیکو و منش‌های حسنه در آداب است و معروف نزد مردم چیزی است که مردم آن را می‌شناسند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷ق،، ۲۴۳).
 (قولوا قولاً معروفاً) یعنی سخن گفتن شما دقیقاً منطبق با روش عقلا و به دور از هر نوع حقارت و تضعیف روحیه و شخصیت آنان باشند. این نکته در حقوق بشر اسلامی بسیار قابل توجه است که مأمورین پلیس و صاحب نفوذ جامعه بایستی رعایت حقوق مالی و حقوق انسانی افراد را بکنند.

۲-۲-۴. قول سدید و جایگاه آن

سدید به معنای استقامت و پایداری (راغب اصفهانی، مفردات راغب، ج ۲، ص ۲۸۵).
 قاموس قرآن در معنای قول سدید می‌گوید: «یعنی قول صواب و محکم که باطل را در آن راهی نیست، (قرشی، ۲۴۶). قرآن در یک دعوت همکاری برای سوق جامعه به سوی پایداری و صلاح می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سدیداً» (سوره احزاب / ۷۰).

«ای اهل ایمان تقوای الهی پیشه کنید و قول و کلام شما از ثبات و استحکام و صلاحیت

برخوردار باشد که این عمل جامعه را به اصلاح می‌کشاند».

۴-۲-۳. قول کریم و کاربرد آن در حقوق خانواده

نمود دیگر عفاف در گفتار نوع تکلم با پدر و مادر و کسانی که به لحاظ جایگاه حقوقی و تربیتی حقی به گردن انسان دارند «فقل لهما قولاً کریماً» (سوره اسراء/۲۳).

۴-۲-۴. قول بلیغ و قول لین و کاربرد آن در روابط اجتماعی

در تبلیغ و بیان حقایق و تلاش در راه به هدایت کشاندن و اصلاح نکات مذموم فکری و اعتقادی و عملی آنان با استفاده از مهم‌ترین روش کلامی و رفتاری تا آنان سخن حق را بگیرند و به دنبال فطرت و اندیشه، در صدد تحلیل آن برآیند. لذا اصل اولیه در اصلاح آنان دعوت به مسالمت است نه جنگ و خشونت. اینجاست که به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «تو و برادرت مأمورید به سراغ فرعون بروید لیکن ابزار شما قول لین است».

«فقولا له قولاً لیناً لعلّه یتذکرا و یخشی» (سوره طه/۴۴) اشاره به این دارد که:

قول لین از تأثیرگذاری فراوان برخوردار است، نسبت به هدایت هیچ انسانی نباید مایوس شد. برخورد مأمورین با افرادی که زبان هتاک و فحاشی دارند و از گفتن هرگونه کلمات زشت ابایی ندارند همراه با سعه صدر باشد و آن چنان که قرآن درباره آنان می‌فرماید:

«فاعرض عنهم و عظمهم و قل لهم فی انفسهم قولاً بلیغاً» (سوره نساء/۶۳) اشاره به این نکته دارد که سخن تو بایستی از رسایی و بلاغت کافی برخوردار باشد و یا این که با وجهی نیکو و شایسته بیان شود تا در دل ایشان اثرگذار باشد.

۴-۲-۵. قول میسور و گستره آن

خداوند در سوره اسراء آیه ۲۸ تأکید فرمودند: در مواجهه با بستگان و کسان باید به حقوقشان توجه کرد با لطف و مدارا و زبانی قرین به نرمی و ملایمت سخن گفته شود تا راه اعتدال را در پیش گیرند.

۵. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی اعتیاد در دختران

مصرف مواد نه تنها به دلیل اثرات سوئی که بر افراد دارد، بلکه هم چنین به دلیل پیامدهای

منفی آن بر جامعه، به یک مسئله اجتماعی بسیار مهم و خطرناک تبدیل شده است. مصرف مواد مخدر یکی از عوامل اصلی افزایش میزان طلاق، خشونت در خانواده‌ها، افت تحصیلی فرزندان، ارتکاب جرایمی چون سرقت، فحشا، فروش مواد مخدر و... است که بهداشت و سلامت جامعه و افراد آن را تهدید می‌کند.

پدیده دختران فراری، نه تنها سلامت امنیتی- اخلاقی، بلکه سلامت بهداشت و روانی اجتماع را نیز به خطر می‌اندازد. به دلیل قطع ارتباط و پیوستگی خود با خانواده بعد از ورود به خیابان به ناچار به روابط جنسی تن می‌دهند تا بتوانند شب را در مکان خاصی به سر برند. این نوع مشکلات آن‌ها را به دام شبکه‌های فساد و تجارت جنسی می‌اندازد.

دختران فراری بعد از فرار از خانه، جهت گذران زندگی خود به صورت ناخواسته وارد باندهای تبهکاری و قاچاق مواد مخدر می‌شوند و در مرحله اول گرفتار اعتیاد می‌شوند، چرا که آنان را برای همیشه در اختیار دارند و می‌توانند برای آنان بازاریابی کنند (بهرام بیات، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است، اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و آشفتگی ایجاد می‌کند، منشأ بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپی‌گری و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و... می‌شود. این پدیده سبب می‌شود که سطح جرم و جنایت در جامعه افزایش یابد و در نتیجه امنیت و سلامت اجتماعی به مخاطره بیفتد. به عبارت دیگر، پدیده دختران فراری خود معلول عوامل متعددی است که می‌تواند عامل بسیاری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر به پیکره جامعه و نظام اجتماعی و امنیت زنان شود.

۶. عوامل تنش‌زا در زنان پلیس

اجرای قانون همواره با تنش فراوان همراه است. افراد پلیس در معرض انواع آسیب‌ها و تنش‌ها قرار می‌گیرند. به خصوص زنانی که به این شغل اشتغال دارند می‌بایست از آزاده و توانایی زیادی

برخوردار باشند تا بتوانند تمامی فشارها را تحمل کنند.

مواجهه دائمی پلیس با بدترین مظاهر رفتار انسان‌ها سبب ایجاد صدمات زیادی در وی و خانواده اش می‌شود (اکبر استرکی و تورج ریحانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

اعزام زنان به مأموریت‌هایی مانند مبارزه با مواد مخدر، پی‌گیری مجرمان فراری، حضور در صحنه قتل، کسان‌ی که اقدام به خودکشی می‌نمایند، افرادی که به حقوق زنان و کودکان تجاوز نموده، از جمله عواملی هستند که تنش و فشار بیش از اندازه به زنان در درازمدت وارد می‌نماید که سبب ضعف در سلامت و توانایی افراد پلیس می‌شود.

هم‌چنین در مقابله با معتادین که به دلیل فساد بافت‌های مغزی که از مصرف مواد مخدر به وجود می‌آید، شخص معتاد کنترل حرکات خود را از دست داده، آمادگی آسیب‌رسانی به خود و دیگران پیدا می‌کند. استفاده از قرص‌های توهم‌زا و پیش‌بینی ناپذیر بودن رفتار مصرف‌کنندگان می‌تواند موجب ناامیدی و استرس و ناامنی را در زنان پلیس به وجود بیاورد.

زنان پلیس به دلیل ارتباط تنگاتنگ که با مردم دارند باید از خصوصیات اخلاقی برجسته‌ای برخوردار باشند.

۷. تقویت آگاهی‌های دینی زنان پلیس در مبارزه با مواد مخدر

ظرفیت‌های اخلاقی دین اسلام می‌تواند کارآیی و اثربخشی خود را نشان بدهد. تأکید امام خمینی (ره) مبنی بر حکومت بر قلب‌ها در اسلام در همین جا ظهور می‌یابد. به ویژه در افرادی که تماس مستقیم با مردم دارند، باید بتوانند به اقناع مردم بپردازند. شواهد نشان می‌دهد که ارائه خدمات امنیت عمومی در قالب‌های اخلاقی مردم‌دارانه و همراه با محبت اثرات عمیقی در مردم و شهروندان داشته است. فردی که به اخلاقیات شرعی وفادار و پایبند است، حتماً خدمت بهتری می‌تواند بکند. انگیزه خدمت (به لحاظ اعتقاد اخروی) در او بالاتر است، فرد مستخلف به اخلاق اسلامی دروغ نمی‌گوید، در برابر رشوه مقاومت می‌کند. به امر به معروف و نهی از منکر اعتقاد دارد. همواره خدا را ناظر اعمال و رفتار خویش می‌بیند. این امر می‌تواند در سطح گسترده به ایجاد نوعی فضای اخلاقی هم در درون سازمان و هم در عرصه عمومی

بینجامد. مهم این است که سازمان انتظامی بتواند با انجام مطالعات خاص، موردی و جامع زمینه‌های عملی شدن و کاربردی شدن بهره‌برداری از ظرفیت‌های جامعه اسلامی را در عرصه نهادینه‌سازی امنیت عمومی به وجود بیاورد.

نتایج یکی از تحقیقات اعلام شده تأیید می‌کند (سعید صادقی کارشناس ارشد روانشناسی بالینی انستیتوی روانپزشکی تهران)، افراد پیرو مذهبی که پرهیز از مصرف مواد را توصیه می‌کنند بسیار کمتر از پیروان مذهبی که مصرف الکل و سیگار را منع نمی‌کنند به مصرف مواد مخدر روی می‌آورند. مذهب در هر سه سطح می‌تواند مصرف مواد مخدر را تحت تأثیر قرار دهد.

تأثیر مذهب در پیشگیری اولیه شامل: فعالیت‌های پیشگیرانه است که برای تحریم شروع مصرف مواد مخدر به کار گرفته می‌شود و می‌تواند در برگیرنده آموزش مستقیم مردم، درباره منع مصرف مواد و همچنین هدفمند نمودن زندگی باشد که در این صورت مصرف مواد عملی ناپسند است.

تأثیر مذهب در پیشگیری ثانویه مداخله در جلوگیری از گسترش اعتیاد در افرادی است که مصرف آزمایشی و گاه به گاه مواد را شروع کرده‌اند.

تأثیر مذهب در پیشگیری ثالث، شامل برنامه‌هایی است که برای کمک به افراد معتاد برای ترک و همچنین پرهیز از عود مجدد در آنان فراهم شده است (دکتر باصری، ۱۳۸۸: ۱۲). لورچ و هنگر حدود چهار هزار جوان را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند افرادی که نسبت به اصول مذهبی پایبندی و تعصب دارند کمتر به اعتیاد مبتلا هستند.

به طور کلی تحقیقات نشان می‌دهد که داشتن اتکای مذهبی می‌تواند با کاهش مصرف مواد مخدر رابطه معناداری داشته باشد.

بدون شک ارشاد مبلغان مذهبی، مأمورین امنیتی (زنان پلیس) در امر پیشگیری و مبارزه و از روی آوری به مصرف و اعتیاد به مواد مخدر در مردم مؤثر است. اعتقادات مذهبی و فتاوی و نظرات مراجع مذهبی و فقهی نقش مهمی در کاهش مصرف و اعتیاد به مواد مخدر دارد.

۸. نتیجه‌گیری:

۱. مواد مخدر دارای مراتبی از سکریت است و همانند مسکرات موجب نوعی اختلال حواس و زایل شدن عقل می‌شود و استعمال آن از محرّمات شرعی است.
۲. هر چیزی که ضرر فاحش جسمی و روحی برای انسان دارد بنا بر قاعده لا ضرر حرام است.
۳. بهترین نوع برقراری ارتباط کلامی از نظر قرآن کریم قول معروف، قول میسور، قول بلیغ، قول سدید، قول کریم ولین می‌باشد.
۴. ارشاد مبلغان مذهبی، مأمورین امنیتی، در امر پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر مؤثر است.
۵. اعتقادات مذهبی، فتاوی و نظرات مراجع فقهی نقش مهمی در کاهش مصرف و اعتیاد به مواد مخدر دارد.

فهرست منابع

- قرآن
- امام خمینی، (۱۳۸۲) استفتائات، انتشارات اسلامی.
- اسعدی، سید حسین، (۱۳۷۹) مجموعه مقالات برگزیده، ج ۱۳، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، ۸۴.
- استرکی و تورج ریحانی، (۱۳۸۰) مقاله در نشریه فصلنامه دانش انتظامی، نشریه دانشگاه علوم انتظامی، سال سوم، شماره ۱۷۸، ۳.
- باصری، علی اکبر، (۱۳۸۵) مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۲.
- بیات، بهرام، (۱۳۸۵) فرا تحلیل آسیب‌های اجتماعی، معاونت اجتماعی، اداره کل اجتماعات.
- تعلیقه مرحوم ایروانی بر مکاسب شیخ انصاری، چاپ افسر، ۶.

- راغب اصفهانی، (۱۳۶۲) مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، تهران، ۲۸۵.
- سادات، محمد علی، (۱۳۷۳) اخلاق اسلامی، انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ، ۳۹.
- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، باب ۱۹، از ابواب اشربه محرمه، ج ۱۷، حدیث اول.
- شهید ثانی، (۱۳۷۵) شرح لمعه، المباحث الفقهیه، ج ۲۴، انتشارات وجدانی، ۳۲۱.
- صدر، محمد باقر، (۱۴۱۷) ماوراء الفقه، دار الفقه، دار الاوضاء، بیروت، ج ۲۰، ۲۱۶-۷.
- صافی گلپایگانی، جامعه الاحکام، ج ۱۴۱۹، ۲، ق. ۱۸۷.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، ج ۲، ص ۶۴ و ۲۴۳.
- علامه حلی، (۱۳۷۲) شرایع الاسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم احمد یزدی، ۱۲۴۶.
- مقام معظم رهبری، (۱۴۱۸) الاجوبه والاستفتاءات، انتشارات بین المللی الهدی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ج ۲، ۷۴.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱) القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، چاپ سوم، ج ۱، ۲۸.
- معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ج ۳، چاپ هشتم، ۳۹.